

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلسله مباحث متفرقه ۲



بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين، الرحمن الرحيم، مالك
يوم الدين، وصلى الله وسلم على نبينا محمد
وعلى آله وصحبه ومن تبعهم بإحسان إلى يوم
الدين، أما بعد.

اگر مسلمانان در تمام امور مهم به کتاب خداوند متعال
بازمی گشتند و به آن اعتماد و به احکامش اطمینان
می داشتند و اکتفا می نمودند بین آنها اختلافی باقی
نمی ماند، پس بیاید قرآن را در این امر مهمی که به یکی از
ویژگیهای خاص مسلمانان مانند: عرض، نسل و شرف
آنان مربوط است. مرجع و وسیله هدایت خود قرار دهیم.
کلید هدایت در قرآن است.

خداوند آیات قرآن را به دو دسته تقسیم می کند.

۱- آیات محکمات که اشتباه و احتمالات را بر نمی تابد.
۲- آیات متشابهات که چند معنی را می رسانند.
خداوند می فرماید مرجع ما در مسائل مهم آیات محکم
است، لذا اتباع و پیروی از آیات متشابه را بر ما حرام
کرده است: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ
مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي
قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَبَهَ مِنْهُ» (آل عمران: ۷).
«او کسی است که این کتاب (آسمانی) را بر تو نازل کرد،
که قسمتی از آن، آیات «محکم» (صریح و روشن) است ؛
که اساس این کتاب می باشد ؛ (و هر گونه پیچیدگی در
آیات دیگر، با مراجعه به اینها، برطرف می گردد) ، و
قسمتی از آن، «متشابه» است (آیاتی که به خاطر بالا بودن
سطح مطلب و جهات دیگر، در نگاه اول، احتمالات
مختلفی در آن می رود ؛ ولی با توجه به آیات محکم،

تفسیر آنها آشکار می گردد) . اما آنها که در قلوبشان
انحراف است، به دنبال متشابهاتند». بنابراین مادر امثال به قول خداوند بر آیات محکم قرآن
اعتماد می کنیم نه متشابه، و بدین طریق به سلامت به
آرامش و اطمینان درونی می رسیم پس بحث را به دو قسم
تقسیم می کنیم:

۱ - ازدواج موقت در قرآن.

۲ - ازدواج موقت در روایات و فتوهای علماء.

ازدواج موقت در قرآن:

ازدواج موقت ابتدا در میان یهود، فارس و غیره وجود
داشته است. و به جامعه جاهلی جزیره العرب سرایت
کرده است. وقتی دین اسلام آمد در ابتدای دعوت دوبار با
نزول این آیات تحریم شد: «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَفْوَاجِهِمْ
حَفِظُونَ ﴿٥﴾ إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ
فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مُلْؤِمِينَ ﴿٦﴾ فَمَنْ أَتَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ
هُمُ الْعَادُونَ ﴿٧﴾» (المؤمنون: ۵-۷). «و آنها که دامان
خویش را (از بی عفتی) حفظ می کنند. جز با همسران و
کنیزانشان، چرا که بهره گیری از اینها مورد سرزنش
نخواهند بود. و هر کس جز اینها را طلب کند، متجاوز
است».

از این آیات مکی مشخص می شود که اصل در فروج
حرمت است و اما تحلیل آن استثنا است که بعداً ذکر
می شود پس درباره هر چه سکوت کرد حرام است.
و عبارت: «هُمُ لِأَفْوَاجِهِمْ حَفِظُونَ ﴿٥﴾» محور اصلی
حرمت است «إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ

أَيَّمْنُهُمْ» استثناء حلال و شامل دو نوع نکاح است یعنی غیر از آن دو همه حرامند. اما خداوند برای اینکه راه اشتباه و التباس را بر انسان ببندد با نص صریح غیر از آن دو نکاح را تحریم کرده است «فَمَنْ أَتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ ﴿٧﴾» پس هر راه دیگری غیر از آن دو نکاح حرام است خواه با زنا، متعه یا استبضاع و ... باشد.

مسلمانان در عهد مکی این نکاح (ازدواج موقت) را به خاطر حرمت آن انجام ندادند و هنگامی که به مدینه هجرت کردند آیات نازل شده جز نکاح دائم و نکاح ملک یمین چیز دیگری را اضافه نکردند. کسی که از همسر موقت تمتع می کند در واقع نمی توان آن را زوجه او نامید. چون در صورت مرگ یکی از آنها از همدیگر ارث نمی برند. خداوند می فرماید:

﴿وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمْ الرُّبُعُ مِمَّا تَرَكَنَّ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوَصِّينَ بَهَا أَوْ دِينَ وَلَهُنَّ الرُّبُعُ مِمَّا تَرَكَنَّ...﴾ (النساء: ۱۲). «و برای شما، نصف میراث زنانان است، اگر آنها فرزندی نداشته باشند ...»
«اگر همسر موقت زوجه محسوب می شد باید از همدیگر ارث می بردند ... و اگر فرزندی داشته باشند، یک چهارم از آن شماست».

«شما نصف اموال زنانان را می برید اگر فرزند نداشته باشند ... و زنانان از شما یک چهارم اموالتان را می برند اگر ...».

به آیات مربوط به این موضوع مراجعه کنید (بقره: ۲۲۱) (نور: ۳۲-۳۳) (نساء: ۳)، (احزاب: ۵۰ و ۵۲) در سوره نور می فرماید: «وَأَنكِحُوا الْأَيْمَىٰ مِنْكُمْ» (النور: ۳۲). «کسانی که همسر ندارند را به نکاح در آورید».

«وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ» (النور: ۳۲).

منظور نکاح ملک یمین است سپس می فرماید: «الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» (النور: ۳۳).

«و کسانی که امکانی برای ازدواج نمی یابند، باید پاکدامنی پیشه کنند تا خداوند از فضل خود آنان را بی نیاز گرداند».
پس هر کس زوجه یا امه را نیافت تا با او ازدواج کند خداوند به او توصیه می کند صبر و عفاف را پیشه کند یعنی غیر از آن دو نکاح راههای دیگر حراماند. اگر نکاح موقت حلال بود در اینجا ذکر می شد. مثلاً به جای لیستعضع می فرمود لیستمع، چون لیستعفف مقتضی منع است. خصوصاً با توجه به اینکه اصل در فروج حرمت است.

در سوره نساء می فرماید: «فَأَنكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَتًى وَثَلَاثَ وَرُبْعَ» (النساء: ۳). این همان ازدواج دائم است. «از زنانی که می پسندید دو یا سه یا چهار تا را (در یک زمان) به نکاح خود در آورید».

«فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً» «و اگر می ترسید عدالت را (درباره همسران متعدد) رعایت نکنید، تنها یک همسر بگیرید».

«أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ» (النساء: ۳).

«و یا از کنیزانی که مالک آنهاید استفاده کنید».

خداوند ازدواج با یک زن و نکاح ملک یمین را در این آیه مطرح کرده است، اگر نکاح موقت مشروع بود حتماً خداوند آنرا مطرح می نمود.

سپس خداوند بعد از محرمات نکاح می گوید: «وَأَحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسْفِحِينَ»^۱ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَفَاتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَضَّيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿٢٤﴾ وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكِحَ الْمَحْصَنَاتِ الْمُمُؤِنَاتِ فَمِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ» (النساء: ۲۴-۲۵).

«برای شما ازدواج با زنان دیگر جزاینان حلال گشته است و می توانید با اموال خود با زنان ازدواج کنید در حالی که پاک دامن و بدور از زنا هستید اگر با زنی ازدواج کردید و از او کام گرفتید مهریه او را به عنوان فریضه بپردازید. ... و اگر کسی از شما نتوانست با زنان مؤمن ازدواج کند می تواند با کنیزان مؤمن ازدواج کند».

یعنی این دو راه حلال ازدواج دائم و نکاح ملک یمین هستند. ولی اگر اولی را به ازدواج موقت تفسیر کنیم جای ازدواج دائم که اصل در نکاح است در آیات باقی نمی ماند و این غیر معقول است چون دلیل برای تعبیر آیه به ازدواج موقت نداریم جز لفظ «استمتمت» که به علت متشابه بودنش نمی توان چیزی را با قرآن ثابت کرد.

استدلال به قرآن برای مشروعیت ازدواج موقت جائز نیست زیرا تنها جایی از قرآن که در این زمینه به آن استناد می شود لفظ متشابه بوده و دلالت آن قطعی نیست. حلال کردن فروج در اسلام جداً مسئله مهمی است، تساهل در آن هرگز جائز نبوده و دلائل متشابه را بر نمی تابد. در قرآن حتی یک نص صریح دال بر مشروعیت نکاح موقت وجود ندارد، پس ادعای مشروعیت آن باطل است زیرا پیروی از متشابهات است.

معنی لغوی استمتاع:

در لغت استمتاع یعنی لذت و سودبردن که ممکن است از چند چیز باشد.

۱- غذا: خداوند می فرماید: ﴿أَجَلٌ لَّكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ وَطَعَامُهُ مَتَعَةً لَّكُمْ﴾ (المائدة: ۹۶).

«صید دریا و طعام آن برای شما و کاروانیان حلال است».

۲- لباس باشد: ﴿وَمِنْ أَصْوَابِهَا وَأَوْبَارِهَا وَأَشْعَارِهَا أَثْنًا وَمَتَعًا إِلَىٰ حِينٍ﴾ (النحل: ۸۰).

«و از پشم و کرک و موی آنها، برای شما اثاث و متاع (و وسایل مختلف زندگی) تا زمان معینی قرار داد».

۳ - اموال پرداخت شده به مطلقات باشد:

﴿وَمَتَّعُوهُنَّ عَلَىٰ الْمَوْسِعِ قَدَرُهُ وَعَلَىٰ الْمَقْتَرِ قَدَرُهُ مَتَّعًا بِالْمَعْرُوفِ﴾ (البقره: ۲۳۶).

«ثروتمند و فقیر هر یک باندازه توانشان زنان (مطلقه) را به نحو احسن بهره مند سازند».

۴ - جماع باشد، ﴿فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ﴾ یعنی هر گاه با آنان جماع کردید چون انسان از جماع لذت می برد و بهره مند می شود.

واژه استمتاع و مشتقات آن حدود شصت بار بکار رفته است که هیچکدام از آنها در ارتباط با نکاح موقت نیستند. از جمله آیه ۱۲۸ سوره انعام: ﴿وَقَالَ أَوْلِيَاؤُهُمْ مِّنَ الْإِنْسِ رَبَّنَا اسْتَمْتَعَ بَعْضُنَا بِبَعْضٍ وَوَلَعْنَا أَعْلَنَ الَّذِي أَجَلْت لَنَا قَالَ النَّارُ مَثْوًى لَّكُمْ...﴾ (الأنعام: ۱۲۸).

«پروردگارا! هر یک از ما دو گروه (پیشوایان و پیروان گمراه) از دیگری استفاده کردیم؛ (ما به لذات هوس آلود و زودگذر رسیدیم؛ و آنها بر ما حکومت کردند؛ و به اجلی که برای ما مقرر داشته بودی رسیدیم). (خداوند) می گوید: «آتش جایگاه شماست».

﴿قُلْ تَمَتَّعُوا فَإِنَّ مَصِيرَكُمْ إِلَى النَّارِ﴾ (ابراهیم ۳۰). «بگو: بهره مند شوید همانا مصیر شما رو به آتش است».

هیچکدام از این آیات درباره ازدواج موقت نیست زیرا سیاق آیات این سوره ها و همچنین سوره نساء آنرا نمی پذیرند و منظور آیه ۲۴ سوره نساء پرداخت مهریه ازدواج دائم است که ذیلاً توضیح داده می شود.

مهریه چهار حالت دارد:

۱- هنگامی که قبل از دخول طلاق واقع شود و مهریه اش مشخص نشده باشد در چنین حالی براساس توانایی زوج مقداری مال به زن داده می شود: ﴿لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً

وَمَتَّعُوهُنَّ عَلَىٰ الْمَوْسِعِ قَدَرُهُ وَعَلَىٰ الْمَقْتَرِ قَدَرُهُ﴾ (البقره: ۲۳۶).

«اگر زنان را قبل از آمیزش جنسی یا تعیین مهر، (به عللی) طلاق دهید، گناهی بر شما نیست. (و در این موقع) آنها را (با هدیه ای مناسب،) بهره مند سازید! آن کس که توانایی دارد، به اندازه تواناییش، و آن کس که تنگدست است، به اندازه خودش، هدیه ای شایسته (که مناسب حال دهنده و گیرنده باشد) بدهد».

۲- وقتی که طلاق قبل از دخول واقع شود و مهر زن مشخص باشد مهریه زن نصف مهریه مشخص شده است. ﴿وَإِنْ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَيَصِفُ مَا فَرَضْتُمْ﴾ (البقره: ۲۳۷).

«هرگاه زنان را قبل از دخول طلاق دادید و مهریه آنان معلوم شد نصف مهریه را به آنان بپردازید».

۳- هرگاه زن بعد از دخول طلاق داده شد و مهریه اش مشخص نشده بود باید به زن مهرالمثل داده شود.

۴- وقتی مهریه زن معلوم باشد و طلاق داده شود باید تمام مهریه اش پرداخت گردد. گرچه تنها با یک جماع از او متمتع شده باشد.

﴿فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً﴾ (النساء: ۲۴).

«پس کسی از زنان که از او بهره گرفتید [یعنی: با جماع و آمیزش جنسی به وسیله نکاح شرعی، از او برخوردار شدید] پس مهرشان را [که بر آن با هم به توافق رسیده بودید] به عنوان فریضه ای به آنان بدهید [یعنی: مهر برای زنان از جانب خدای متعال مقرر شده است]».

اجور در اینجا یعنی مهریه چون در عقد ازدواج در مقابل استمتاع از زن اجری قرار داده می شود تا زن از آن بهره برد خداوند می فرماید:

﴿يَتَأْتِيهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَ الَّتِي ءَاتَيْتَ أَجُورَهُنَّ﴾ (الأحزاب: ۵۰).

«ای پیامبر ما همسرانی را که مهریه شان را پرداخت کرده ای برایت حلال کردیم».

شیخ الطائفه طوسی کسانی را که می گویند منظور از اجور ازدواج متعه است سفیه می داند و می گوید: «بعضی از اصحاب ما گفته اند مراد از آیه ازدواج متعه است چون به مهریه اجر نمی گویند بلکه صدقه و نحلّه گفته می شود. اما این قول ضعیف است چون خداوند مهریه را اجر نامیده است و می فرماید: ﴿فَأَنْكِحُوهُنَّ بِأَدْنِ أَهْلِهِنَّ وَءَاتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ﴾ (النساء: ۲۵). «آنها را با اجازه صاحبان آنان تزویج نمایید، و مهرشان را به خودشان بدهید».

﴿وَالْحَصْنَتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا ءَاتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ﴾ (المائدة: ۵).

«و زنان پاکدامن از اهل کتاب، حلالند؛ هنگامی که مهر آنها را بپردازید». «مسیره التبیان» (۱۶۶/۳)

شریف مرتضی یکی از بزرگان شیعه و مشهورترین آنها در کتابش «الانتصار» می گوید: برخی از اصحاب ما استدلال کرده اند که لفظ «استمتع» دال بر ازدواج موقت است نه ازدواج دائم، چون خداوند مالی را که به زن داده می شود اجر نامیده است در صورتی که خداوند مهریه ازدواج دائم را به این اسم بیان نکرده است بلکه به اسم نحلّه، صداق و

فریضه آن را نام برده است. اما این استدلال مورد اعتماد نیست چون مهریه ازدواج دائم را نیز اجر نامیده است.

﴿وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ إِذَا ءَاتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ﴾ (الممتحنه: ۱۰).

«و گناهی بر شما نیست که با آنها ازدواج کنید هرگاه مهرشان را به آنان بدهید». «الانتصار» شریف مرتضی (ص ۱۱۳)

بنابراین استدلال به این آیه برای ازدواج موقت درست نیست چون استدلال به متشابه است. و سیاق آیه از چند وجه آنرا رد می کند این آیات تنها دو نوع نکاح را نام برده اند نکاح دائم و ملک یمین که از نکاح دائم به لفظ استمتاع تعبیر شده است ولی اگر منظور از استمتاع نکاح متعه باشد این بدان معنی است که در این آیات ازدواج دائم ذکر نشده است. و این غیر معقول است پس باید لفظ را بر ازدواج دائم حمل کنیم نه چیز دیگر. در آیه ابتدا نکاح مشکل وبعد نکاح آسان را بیان کرده است:

﴿وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلاً أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ﴾ (النساء: ۲۵).

«و آنها که توانایی ازدواج با زنان (آزاد) پاکدامن باایمان را ندارند، می توانند با زنان پاکدامن از بردگان باایمانی که در اختیار دارید ازدواج کنند». و مشکلترا از نکاح جاریه تنها ازدواج دائم است ولی نکاح متعه آسانترین انواع نکاح است پس مقصود آیه نکاح متعه نیست. خداوند شروط نکاح را در این آیه بیان کرده است:

﴿أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسْفِحِينَ﴾ (النساء: ۲۴).

«برای شما حلال است که با اموال خود، آنان را اختیار کنید؛ در حالی که پاکدامن باشید و از زنا، خودداری نمایید».

غیر مسافحین یعنی زناکار نباشید. ولی مقصود از نکاح متعه تنها ریختن منی و ارضاء شهوت است و در آن احصان و پاکدامنی و حفظ جسم و نفس زن یا مرد نیست و برآستی این نص صریحی در رد ازدواج موقت است زیرا به اتفاق علماء در ازدواج موقت پاکدامنی و احصان وجود ندارد.

جامعه عصر نبوی از ازدواج موقت خالی بوده است:

اگر ازدواج موقت در عصر پیامبر مرسوم بود حتماً خداوند در قرآن مشروعیت و احکام تفصیلی آنرا بیان می نمود همانطور که در ازدواج دائم و ملک یمین بیان کرده است. یقیناً اگر ازدواج موقت مشروع بود بخاطر سهولتش عمل به آن بیشتر می شد پس چگونه خداوند نسبت به این امر مهم سکوت می کند ولی دو ازدواج دیگر را تشریح می نماید.

خداوند نکاح جاریه را در هشت جای قرآن بحث کرده است و آیات دیگر مربوط به مشروعیت و احکام آن در قرآن فراوانند حتی خداوند مسئله ای مانند شراب را که اهمیتش از نکاح متعه کمتر است چندین بار ذکر کرده است پس چگونه نکاح متعه را که خطرتر و وقوع آن بیشتر خواهد بود در قرآن ذکر نمی کند.

در این زمینه فقط یک قول درست است. اینکه نکاح متعه بر مسلمانان حرام بوده و آنرا عملی نساخته‌اند و از اول عهد اسلام در مکه بر آنان حرام گشته است همانطور که در سوره مؤمنون و معارج ذکر شده است.

ازدواج موقت در روایات و فتوای فقهاء؛

اولین روایتی که باید مورد توجه قرار گیرد روایت ترمذی از ابن عباس است ابن عباس می‌گوید: «إنما كانت المتعة في أول الإسلام، كان الرجل يقدم البلدة ليس له بها معرفة فيتزوج المرأة بقدر ما يرى أنه يقيم فيها فتحفظ له متاعه وتصلح له شأنه حتى إذا نزلت ﴿إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ﴾ (المؤمنون: ٦). «فكل فرج عدا هذين فهو حرام» (تحفة الأحمدي شرح جامع الترمذی ٢٦٩/٤).

«ازدواج موقت در اول اسلام رائج بود و هرگاه مردی به شهری وارد می‌شد که در آنجا آشنایی نداشت با زنی ازدواج می‌کرد به همان اندازه که در آنجا می‌ماند تا زن و سائلش را برایش حفظ کند و حالش را اصلاح نماید. تا زمانی که این آیه نازل شد. ﴿إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ﴾ (المؤمنون: ٦). «تنها آمیزش جنسی با همسران و کنیزانشان دارند».

از این روایت برمی‌آید که نکاح متعه در ابتدای اسلام حرام گشت چون از عادات جوامع جاهلی و مشرک بود. در مسند امام احمد آمده است مردی از ابن عمر درباره نکاح متعه سؤال کرد او عصبانی شد و گفت: «قسم به خدا ما در عهد پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم زناکار

نبوده‌ایم». (مسند امام احمد با سند صحیح ٨٧/٢، مجمع الزوائد ٢٦٥/٤)

یعنی مجتمع عصر پیامبر صلی الله علیه وسلم عاری از نکاح متعه بوده است و امام نووی در شرح مسلم، سرخسی در المبسوط و شیخ مخلوف در صفوة البیان و امثال آنها نیز به آن اشاره کرده‌اند.

علامه شمس الدین سرخسی می‌گوید: «به ما چنین رسیده است که پیامبر خدا ص در عصر خود سه بار در غزواتی که از نظر جنسی مردان در مضیقه قرار گرفته‌اند نکاح متعه را حلال کرده است اما بعداً از آن نهی نموده است و غیر از آن سه بار کلاً تداوم نداشته است تا نیازمند دلیل نسخ باشد». (المبسوط ١٥٢/٥)

و در این زمینه امت به اجماع رسیده‌اند همانطور که جصاص، قاضی عیاض و خطابی ذکر کرده‌اند.

(احکام القرآن ١٥٢/٢، المعلم ١٣١/٢، شرح صحیح مسلم نووی ١٨١/٩، فتح الباری ٧٨/٩)

تمام روایات دیگر جز ترخیص در این سه روز چیز دیگری را نمی‌رسانند یک بار در خیبر که بعد از آن پیامبر آنرا تا روز قیامت تحریم کرد. مسلماً در آن زمان در خیبر زنان مسلمان وجود نداشته‌اند پس نکاح متعه با زنان یهودی و مشرک بود نه با زنان مسلمان و نه در مجتمع اسلامی لذا به علت کوتاه‌بودن مدت آن و وقوعش در خارج از جامعه اسلامی بحث آن در قرآن نیامده است. اما به نظر ابن عباس رخصت آن در زمان اضطرار باقی بود ولی اصحاب بزرگ مانند علی بن ابی‌طالب با او مخالفت کرده و فتوایش را ابطال نمودند علی رضی الله عنه به او گفت: «إنك رجل تائه ناهنا رسول الله صلى الله

عليه وسلم عن متعة النساء يوم خيبر». (مسلم با شرح نووی ١٨٩/٩).

«شما مرد پریشان‌حالی هستی، پیامبر صلی الله علیه وسلم در روز خیبر ما را از نکاح متعه منع کرد».

و عبدالله بن عمر رضی الله عنه نیز با او مخالفت کرد. ترمذی، بیهقی و طبرانی نقل کرده‌اند که ابن عباس از رأی خود بازگشت. با این وجود ابن عباس مانند گوشت مردار تنها آنرا در حال اضطرار جائز می‌دانست یعنی در اصل نکاح متعه را مانند گوشت مردار حرام می‌دانست.

عبدالله بن عمر رضی الله عنه می‌گوید: وقتی عمر بن خطاب رضی الله عنه به ولایت رسید برای مردم خطبه خواند و گفت: پیامبر خدا سه بار نکاح متعه را برای ما مباح و سپس آنرا حرام کرد. قسم به خدا اگر بینم مرد متأهلی نکاح متعه کند او را رجم می‌کنم مگر اینکه چهار شاهد بیاورد و گواهی دهند که پیامبر صلی الله علیه وسلم بعد از تحریم آنرا حلال کرده است. (ابن ماجه حدیث ١٩٦٣ و مسند احمد ٥٥٢/١٣) یعنی عمر شخصاً نکاح متعه را تحریم نکرد بلکه حرمت آنرا از پیامبر ص نقل کرد و مباح‌بودن آن تنها سه روز بود سپس تحریم گردید نه اینکه در تمام عهد مدنی مباح بوده باشد. همانطور که شایع شده است.

فقهاء اهل بیت بر حرمت نکاح متعه اجماع دارند:

۱- علی بن ابی‌طالب رضی الله عنه همانطور که از مصادر اهل سنت نقل شد و اما مصادر اهل شیعه در مسند امام زید بن علی از زید بن علی از پدرش از جدش علی روایت کرده است که گفت: «نهی رسول الله ص عن نکاح المتعة عام خیبر».

الروض النصير شرح مجموع الفقه الكبير (٢٣/٤)، تهذيب الأحكام طوسی (٢٥١/٧) الاستبصار طوسی ١٤٢/٣، وسائل الشیعه عاملی (٤٤١/٤).

٢- امام زید (الروض النصير شرح مجموع الفقه الكبير (٢٦/٤).

٣- امام جعفر صادق همانطور که در بحارالانوار (٣١٨/١٠٠) آمده است از او درباره متعه سؤال شد گفت: جز انسانهای فاجر کسی نزد ما آنرا انجام نمی دهد. در «الروض النصير» در فقه زیدیه، آمده است او درباره نکاح متعه گفت: همان زنی است. (الروض النصير شرح مجموع فقه الكبير ٢٢٦/٤ ودعائم الاسلام ٢٢٩/٢).

٤- امام محمدباقر درباره نکاح متعه گفت همان زنی است همانطور که در روض النصير آمده است. و درباره نهی ائمه از نکاح متعه به کتاب الکافی کلینی (٤٤٩/٥ و ٤٥٣) مراجعه شود.

٥- امام حسن بن یحیی بن زید فقیه اهل عراق اجماع اهل بیت درباره نهی از نکاح متعه را نقل می کند. (الروض النصير شرح مجموع الفقه الكبير ٢٢٦/٤).

طوسی یکی از علماء بزرگ امامیه می گوید: نکاح موقت عیب و عار است.

او می گوید: وقتی زن از خانواده شریفی باشد نکاح متعه با او درست نیست چون برای خانواده اش عیب عار و برای خود زن ذلت و خواری است. (تهذيب الاحکام ٢٥٣/٧)

واضح است که زیدیه و اسماعیلیه که از اهل بیت تبعیت می کنند، و همچنین اهل سنت آنرا حرام می دانند.

٦- روایاتی که از ائمه مبنی بر تحلیل آن روایت شده اند همه دروغند. چون با قرآن، سنت، اجماع صحابه و فقهاء امت از جمله فقهاء اهل بیت تعارض دارند و سند آنها نیز ضعیف است.

بررسی تاریخ ائمه:

در تاریخ نیامده است که یکی از علماء یا عامه اهل بیت بخصوص در سه قرن اول هجری از ازدواج موقت بدنیا آمده باشند. اگر آنان آنرا مباح یا واجب می دانستند در میان آنها اجرا می شد و فرزندی از این طریق بدنیا می آمدند و کتب انساب تنها دو نوع مادر برای آنها ذکر کرده است یکی همسر دائمی و دیگری جاریه. بدین دلیل آنان نکاح متعه انجام نداده اند، و این مقتضی تحریم آن از طرف امامان است. و اگر تاریخ زندگی آنان بررسی شود موضع عملی آنها در برابر متعه مشخص می شود. از این طریق تمام روایات نقل شده از آنها درباره اباحه نکاح متعه تکذیب می شوند، والله الحمد.

جای تعجب است که علماء امامیه برخلاف همه مطالب ذکر شده فتوی داده اند از محمد الصدر درباره نکاح متعه سؤال شد. او جواب داد (مسأله ١٧٣) «از ضروریات مذهب است و هر کس آنرا انکار کند مانند این است که از تشیع خارج و به تسنن یا به هر ملت دیگری وارد شده است، و متدین به غیر ما انزل الله شده است، چون در قرآن نص آن وجود دارد. (مسائل ورود / جزء چهارم ص ٤١).

از امام جعفر صادق روایت می کنند که گفته است: خداوند شراب مست کننده را بر پیروان ما حرام کرده و در عوض نکاح متعه را حلال نموده است. حتی به دروغ به پیامبر

ﷺ نسبت داده اند که فرموده است: «هر کس یکبار متعه انجام دهد از خشم خداوند جبار در امان است، و هر کس دوبار نکاح متعه انجام دهد با ابرار حشر می شود، و هر کس سه بار متعه انجام دهد در بهشت همراه من خواهد بود». (تفسير منهج الصادقين: فتح الله کاشانی ٤٩٣/٢). در حالی که پیامبر ص از این اقوال بری است. و اخیراً آیت الله خمینی گفته است: نکاح متعه با خواهر رضاعی مشکلی ندارد به شرطی که به او دخول نکند. (تحریرالوسیله آیت الله خمینی ٢٤١/٢ مسأله ١٢) و همچنین گلپایگانی و لطف الله صافی فتوی جواز مفاخذه با خواهر شیری را صادر کرده اند. (هدایة العباد ٣٠٥/٢ - ٢٣٨).

خلاصه:

١- آنچه در قرآن آمده است تحریم ازدواج موقت است.

٢- جامعه عصر پیامبر ﷺ از نکاح متعه عاری بوده است جز در جنگ خیبر که پیامبر ﷺ سه روز آنرا مباح کردند.

٣- صحابه از جمله علی بن ابی طالب و ابن عباس بر تحریم آن اجماع نموده اند.

٤- فقهاء امت از جمله فقهاء و اهل بیت که نه خودشان و نه اهل بیت از نکاح متعه فرزند نداشته اند همه بر حرمت آن اجماع دارند.

٥- نکاح متعه در سالهای اولیه تاریخ اسلام در مکه حرام شد و تحریم آن تا روز قیامت ادامه دارد و جز شک و شبهه و روایات دروغ دلیلی بر مباح بودن آن وجود ندارد.

وصلی الله وسلم علی نبینا محمد وعلی آله وصحبه أجمعین.
وآخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین.